

نگرشی بر مرآت السالکین اثر میربابا پسر میردرویش نقشبندیّه

محمدتقی مقصودی^۱، احمدرضا یلمه‌ها^{۲*} و محمد حکیم آذر^۳

چکیده

نسخه مرآت السالکین میربابا پسر میردرویش نقشبندی یکی از آثار مکتوب قرن دوازدهم هجری قمری است. که چندان شناخته شده نیست و نگارنده قصد دارد ضمن معرفی این اثر برخی از ویژگی آن را در قالب این مقاله مورد تحلیل و بررسی قرار دهد. با توجه به متن این اثر این کتاب در موضوع ادبیات عرفانی و تصوف نقشبندیّه است و در سال (۱۱۱۸) هجری قمری به رشته تحریر درآمده که تاکنون هیچ پژوهشی در این خصوص صورت نگرفته است. هدف این پژوهش بررسی و تحلیل مرآت السالکین بر اساس متدولوژی خاص ادبی و معرفی آن به علاقه‌مندان ادبیات فارسی است، این تحقیق که براساس و شیوه اسنادی توصیفی و مبتنی بر مطالعات کتابخانه‌ای بررسی و تحلیل شده و در صدد پاسخگویی به این پرسش است که این نسخه از کیست و ویژگی آن در چیست؟ جز کدام حوزه ادبی است؟ و معرفی آن چه تأثیری در شناخت ادبیات فارسی خواهد داشت؟ در پژوهش پیش رو به این پرسش‌ها پاسخ داده خواهد شد که همین موضوع ضرورت و اهمیت این تحقیق را اثبات می‌کند، لذا تصحیح و بیان ویژگی ادبی این نسخه به عنوان یکی از آثار مکتوب ادبی قرن دوازدهم و نسخه منحصر به فرد شناخته نشده حایز اهمیت شناخت و ضرورت قرار می‌دهد.

کلید واژه‌ها: مرآت السالکین، میربابا پسر میردرویش، نسخه خطی، عرفان و نقشبندیّه.

^۱ - دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد دهقان، دانشگاه آزاد اسلامی، دهقان، ایران.

magsoudi.mt155@gmail.com

^۲ - استاد گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد دهقان، دانشگاه آزاد اسلامی، دهقان، ایران. (نویسنده مسؤول)

ayalameha@yahoo.com

^۳ - دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد دهقان، دانشگاه آزاد اسلامی، دهقان، ایران.

تاریخ وصول: ۱۳۹۹/۰۷/۱۴ تاریخ بازنگری: ۱۳۹۹/۱۰/۲۰ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۲/۰۶

مقدمه

تمدن بشری میراثی است که در شناخت پیشینیان و تاریخ ملل گوناگون در قالب ابنیه و آثار در جلوه‌های مادی و معنوی به یادگار مانده و انسان امروزی در جهت اقتناع روح پرسشگر خود و به منظور تکمیل اطلاعات ذهنی خویش در باره گذشتگان و شرایط و شیوه نگرش، تفکر، تعامل انسان با خود و جامعه و نوع ارتباط او و آموزه‌های علمی اخلاقی بشر در مسیرتاریخ نیاز به کندوکاو و پژوهش را برای خود یک ضرورت می‌داند.

در این جستجوهای مادی و معنوی شناخت آثار فرهنگی مکتوب می‌تواند راهگشای شناخت سریع‌تر و صحیح‌تر انسان از تاریخ، ابنیه، فرهنگ ملموس و نامحسوس گذشته باشد. همانگونه که دیدن یک اثر مادی می‌تواند ذهن آدمی را به تأمل و جست و خیز وادارد یک اثر فرهنگی هم می‌تواند بسیاری از پرسش‌های ذهنی او را پاسخگو باشد. همین به دنبال پرسش بودن‌ها می‌توانند بستر بینش انسان امروزی را نسبت به آگاهی از پیشینیان بازتر و کارسازتر کند و به اصطلاح امروزی - پهنای باند انتقال اطلاعات - آگاهی او را از جهان و جهانیان سهل‌تر و در دسترس‌تر قرار دهد. در این فرآیند جستجو، کشف، آشنایی و شناخت آثار خطی و نسخ می‌تواند هم دایره شناخت انسان را گسترش ببخشد و شمول موضوعات مورد پژوهش او را متنوع سازد. به همین دلیل انسان امروزی به پشتوانه آگاهی از گذشته برخی از امور جزئی را چون سرنخی مهم برای نیل به شاهراه شناخت بیشتر تبدیل می‌کند. پس با این اوصاف علاوه بر منابع مادی و آثار عینی، نسخ خطی نیز از مهم‌ترین ارکان فرهنگی بشر در شناخت بهتر تاریخ و تمدن یک سرزمین به شمار می‌روند. لذا توجه به احیاء و تصحیح متون یاد شده نمایانگر هویت و شخصیت ایرانی فارسی زبان. «بررسی و تحلیل نوعی از تصرفات کاتبان در نسخه‌های خطی یلمه‌ها ص: ۱۴۰» و تأمل در این ارکان، گویای این نکته است که نسخ خطی می‌تواند در بردارنده بسیاری از ویژگی‌های علمی، فرهنگی و تاریخی یک ملت باشد. تاریخ دوره صفویه در ایران و گورکانیان در هندوستان و تحولات سیاسی و اجتماعی در آن زمان شرایطی را به وجود آورد که تعداد نسخه‌های خطی در این دوران بسیار زیاد باشند و این نسخ به نوبه خود در بردارنده بسیاری از اطلاعات علمی و فرهنگی هستند، پس نیاز به شناسایی، بررسی و فراوانی نسخه‌های خطی این

دوره دارای اهمیت است یکی از این نسخه‌های خطی که تصحیح و بررسی و تحلیل آن می‌تواند در شناخت صاحب اثر و ویژگی‌های ادبی آن دوره مؤثر و دارای ضرورت و حایز اهمیت واقع شود، نسخه خطی مرآت‌السالکین از میربابا پسر میردرویش نقشبندی است که در مقاله پیش رو ابتدا مختصری از تاریخ تصوف و طریقه نقشبندیه بیان می‌شود سپس معرفی و شناساندن این نسخه خطی و صاحب این اثر و ویژگی‌های ادبی آن مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرد.

۱- نگاه اجمالی به تاریخ شکل‌گیری تصوف و خاستگاه اولیه آن تا قرن سیزدهم هجری قمری

عبارت تصوف، روشی از سلوک باطنی است. در تعریف تصوف، نظرات مختلفی بیان شده، اما اصول آن بر پایه طریقه‌ای است که شناخت خالق جهان، کشف حقایق خلقت و پیوند بین انسان و حقیقت از طریق سیر و سلوک عرفانی باطنی و نه از راه استدلال عقلی جزئی میسر است. تصوف از قرن دوم هجری قمری هویدا شد و نخستین کسی که صوفی نامیده شد حسن بصری (درگذشته ۱۱۰ ق)، عثمان بن شریک مشهور به ابوهاشم کوفی (درگذشته ۱۵۰ ق) است و افراد زیادی که با توجه به تمسک به آداب طریقت در شمار صوفیان در آمدند. آداب طریقت در ابتدای تصوف ساده و بیشتر مورد توجه ریاضت و عزلت و ... بوده است قرن سوم قمری، تصوف گسترش یافت و از آداب ساده زاهدانه گذشت و به محبت و خدمت به خلق گرایید و تعینات و ظواهر متعدّد طریقت پیدا کرد از بزرگان صوفیه این سده حارث محاسبی، ذوالنون مصری، بایزید بسطامی، جنید بغدادی و حلاج و ... می‌باشند. قرن چهارم قمری، تصوف بیش از پیش رونق یافت و تبیین حکیمانۀ تصوف و عرفان توسط ابن سینا و تطبیق آن با شریعت توسط امام محمد غزالی و دیگران و تلطیف آن به وسیله اهل ذوق همراه شد. از صوفیان بزرگ این قرن می‌توان به شبلی، ابن خفیف شیرازی، ابونصر سراج، ابوطالب مکی، ابوعلی دقاق و ... اشاره کرد. (سجّادی، ۱۳۷۲: ۲۳)

قرن پنجم قمری، تصوف همچنان شاهد گسترش بود و مباحث فلسفی و کلامی از رونق افتاد و اختلافات مذهبی زیاد شد و صوفیه هم از آن دور نماندند. مذهب شیعه نیز با وجود شیخ طوسی و فرقه اسماعیلیه نیز قوت گرفتند. بخصوص توسط ابوسعید ابی‌الخیر، خواجه عبدالله انصاری و باباطاهر بیشتر نفوذ یافت. در این قرن خانقاه‌ها و آداب آن و مجلس گفتن گسترش

یافت. قرن ششم، تصوّف ادامه قرن پنجم است. اما از مشخصه‌های آن تدوین و توجیه حکمت اشراق به وسیله شیخ شهاب‌الدین سهروردی است که بر تصوّف و عرفان تأثیر شگرف داشت. همچنین در این دوره، تعصب در مقابل آزاد اندیشی و توجّه به مذهب در اولویت است. در این قرن تصوّف و عرفان با شعر درآمیخت و به وسیله سنایی و سپس عطار شعر عرفانی نضج یافت. قرن هفتم، تصوّف و عرفان شاهد تلفیق عرفان و حکمت اشراق و تدوین مکتب عرفانی (عرفان نظری) توسط ابن عربی است. خانقاه‌ها رواج بیشتر یافت و طریقه کبرویه و اندیشه اشراقی در آن‌ها چشمگیر بود. یورش مغول در (۶۱۶ ق) بود و موجب پراکندگی علما و صوفیه شد و انزوآوری افراطی توسط بعضی صوفیه در این دوره شکل یافت. قرن هشتم، تصوّف علمی و مدون مورد توجه قرار گرفت و تصوّف به تشیع نزدیک و با تصوّف اهل سنت متمایز شد، از صوفیه شیعه، شیخیه جوریه در خراسان (پیروان شیخ خلیفه) و سادات مرعشی در آمل (پیروان میرقوام‌الدین مرعشی) و صوفیه قزلباش و صفویّه (پیروان شیخ صفی‌الدین اردبیلی) از آن جمله‌اند. (همان: ۱۶۲) قرن نهم، تصوّف با توجّه تیموریان به آن متصوّفه و فرق آن فزونی یافت و عمق و کیفیت آن کاسته شد. تصوّف بیشتر به تشیع نزدیک شد. شریعت و طریقت به هم آمیخت و علمای دین هم به صوفیه وهم به عرفا گرایش داشتند. عرفان ذوقی هم ادامه داشت. بعضی مشایخ بزرگ صوفیه متصدی امور شرع هم بودند. اما افراد صوفی نما نیز کم نبودند. قرن دهم به بعد قزلباشان صوفی نما اعتقاد مردم به تصوّف را کم کرد و به علمای دین تمایل بیشتر نشان دادند. قرن یازدهم و دوره صفویّه عده‌ای از علما چون مجلسی دوم و محقق قمی و ... صوفیه را ردّ می‌کردند؛ اما شیخ بهایی، میرداماد، فندرسکی، ملا صدرا، مجلسی اوّل و فیض کاشانی فیلسوف و عارفان دین بودند و به نوعی به تصوّف التفات می‌کردند، اما از آداب طریقت و متظاهر تصوّف بدور بودند. مخالفت بعضی علما با تصوّف به طرد بعضی صوفیه انجامید. بعضی کتب در دفاع از تصوّف هم به رشته تحریر درآمدند. قرن دوازدهم، تصوّف ایرانی به خارج ایران رفت و آثار متعدّدی پدید آمد و شروح زیادی بر آثار صوفیه نوشته شد. قرن سیزدهم به بعد سلسله‌های صوفیه با اختلافات زیاد متعدّد شد و مریدان به سود فرقه در کارهای حکومتی واداشته شدند. سرزمین ماوراءالنهر که در شمال رود جیحون بین این رود و رود سیحون شامل سمرقند و بخارا، خجند،

ترمز و... به مدت پانصد سال، یکی از بزرگترین مهد تمدن فرهنگی ایران و مراکز حکومت‌های ایرانی بوده، مؤلد و مدفن بسیاری از مفاخر، شاعران، صوفیان و دانشمندان بزرگ ایرانی است، اگر چه در مرز بندی‌های سیاسی معاصر، این مناطق، در خاک کشورهای شمال شرقی همسایگان ایران قرار گرفته است (ر.ک. سجّادی، ۱۳۷۲: ۱۶۵)

۲- آشنایی با طریقه نقشبندیّه

طریقه نقشبندیّه منسوب به خواجه بهاءالدین محمد نقشبند یا همان نقشبندیّه، خود شاخه‌ای بوده‌اند منشعب از سلسله خواجه‌گان که منسوب بوده است به خواجه احمد عطاسیوی معروف به حضرت ترکستان. بعدها این سلسله در هند، مخصوصاً در دوره اقتدار مغول هند، نفوذ داشت. پیروان این طریقت طرفدار زهد و فقر و سادگی بودند و اندیشه وحدت وجودی داشتند، اما بعدها برخی از آنان به مدح گویی روی آوردند. این سلسله یکی از سلسله‌های مهم صوفیه ایران که اهل تسنن اند که در زمان تیموریان متنفذترین سلسله و نزد سلاطین تیموری محترم بودند، طریقه نقشبندیّه است.

۳- انتساب طریقت مشایخ سلسله نقشبندیّه

خواجه بهاءالدین نقشبند نسبت طریقت از سید امیر کلال (متوفی ۷۷۱) دارد. او از خواجه محمد بابای سماسی (متوفی ۷۵۵) و او از خواجه علی رامینی معروف به حضرت عزیزان (متوفی ۷۱۵) و او از محمود انجیر فغنوی (متوفی ۶۸۵) و او از عارف ریوگری (متوفی ۶۴۷) و او از عبدالخالق غجدوانی (متوفی ۵۷۵) (البته خواجه بهاءالدین به واسطه نسبت روحانی مستقیماً نیز با عبدالخالق غجدوانی پیوند دارد) و عبدالخالق غجدوانی از خواجه یوسف همدانی و او از شیخ ابوعلی فارمدی (متوفی ۴۴۷) و او از حضرت شیخ ابوالحسن خرقانی (متوفی ۴۲۵) و او از سلطان العارفین بایزید بسطامی (۲۶۱ - ۱۸۸ هـ) و او از حضرت امام جعفر صادق رضی الله عنه (۱۴۸ - ۸۰ هـ) و او از قاسم بن محمد بن ابی‌بکر رضی الله عنه (متوفی ۱۰۱) و او از حضرت سلمان فارسی رضی الله عنه (متوفی ۳۲ یا ۳۳) و او از حضرت ابوبکر صدیق رضی الله عنه (متوفی ۱۳)

و او از محمد مصطفی صلی الله علیه و آله و صحبه در این سلسله، در میان بهاءالدین نقشبند و پیامبر^(ص) ۱۵ واسطه است. و اگر وسایط بین حضرت بهاءالدین و خواجه عبدالخالق غجدوانی را حذف کنیم و نسبت روحانی را بشمار آریم، در میان خواجه بهاءالدین و پیغامبر (ص)، بیش از ده واسطه نیست. در این سلسله، گذشته از خواجه بهاءالدین و حضرت عبدالخالق غجدوانی نسبت سه کس دیگر نیز روحانی است. یکی، نسبت شیخ ابوالحسن خرقانی (متوفی ۴۲۵) و حضرت بایزید بسطامی (۲۶۱-۱۸۸هـ) است، دو دیگر، نسبت حضرت بایزید بسطامی و حضرت امام صادق (رض) (۱۴۸-۸۰هـ) است، سه دیگر، نسبت قاسم بن محمد بن ابی بکر (رض) (متوفی ۱۰۱)

و حضرت سلمان فارسی (رض) (متوفی ۳۳) است. و این سلسله را صدیقیه یا طیفوریه می نامند. نقشبندیان غیر از این سلسله به سلسله معروفیه نیز معترف اند. سلسله معروفیه، سلسله ای است که اکثر طرایق صوفیه منتسب بدانند (پارسا، رساله قدسیه ص ۴۵) و آن از طریق حضرت معروف کرخی (متوفی ۲۰۰) به حضرت امام علی بن ابی طالب کرم الله وجهه می رسد از دو راه: یکی از طریق حضرت امام علی بن موسی الرضا (رض) و دیگر ائمه کرام که این را «سلسله الذهب» می نامند و دیگر، از طریق حضرت داود طائی و حضرت حبیب عجمی و حضرت حسن بصری. و البته این سلسله الذهب، در یکی از حلقات با سلسله طیفوریه (یا صدیقیه)، پیوندی هم دارد و آن حضرت امام صادق (رض) است که نسبتش هم به قاسم بن محمد بن ابی بکر (رض) (جد مادریش) می رسد و هم به پدرش حضرت محمد بن علی باقر (رض). نقشبندیان، با وجود اعتراف و اقرار به این سه سلسله، نخستین آن را «سلسله صدیقیه» برگزیده اند و در اجازات و توسلات و اذکار و ختمها از آن استفاده می کنند و برآنند که این سلسله، از سلسله معروفیه برتر است یکی به علت کوتاهی و قلت وسایط و دیگر به سبب شمول آن بر نسبت های روحانی. چه نقشبندیه، نسبت روحانی را افضل و اقوی از نسبت جسمانی می شمردند. در میان نقشبندیان گذشته از تربیت مریدی و مرادی که در طرایق دیگر نیز متداول است، تربیتی دیگر نیز هست که آن را تربیت روحانی نامند، بر اینگونه که سالک به روحانیت شیخی از مشایخ سلف توجه می نماید و در او مستغرق می شود و همین توجه و نسبت روحانی خود سبب پیوند و ارتباط می شود در میانه سالک

با آن شیخ بی هیچ هم زمانی. خلاصه در این طریقه دو اصطلاح است تربیت شیخی، تربیت روحانی، تربیت جسمانی اصطلاح است از مراتب تربیت سالک در نزد یکی از مشایخ زمان خود در مقابل تربیت روحانی که مراد به روحی مخصوص از اولیاست و نقشبندیان کسانی را که از روحانیت مشایخ تربیت می‌یابند، اویسی می‌نامند و خواجه بهاءالدین اگر چه ذکر از امیر کلال یافته بود ولیکن به حقیقت اویسی بود و از روحانیت خواجه عبدالخالق غجدوانی بهره مند بود (ر.ک. سنایی، ج ۲: ۳۰۸ - ۳۰۶)

این طریقه پس از فراز و فرودهایی که در گذشته‌های زمان به خود دیده در این گیرودار روزگاران، گاهی در اوج رونق و گستردگی بوده و گاهی نیز در رکود روزگار راکد مانده پس از قرن سیزدهم نیز به همت علاقمندان این طریقت یکی از با نفوذترین طریقه صوفیه معاصر در چین و هند، پاکستان و افغانستان، در آسیای مرکزی، ازبکستان و قزاقستان و تاجیکستان گسترده گردیده که همین مسئله از طرفی و نیاز به شناخت پیشینه تاریخی و خاستگاه جغرافیایی از طرف دیگر ضرورت احیای نسخه خطی مربوطه به طریقت نقشبندیه رایج در سرزمین هند و دوره صفویان و گورکانیان را حایز اهمیت قرار می‌دهد؛ به همین دلیل ضرورت اهمیت تصحیح و بررسی نسخه خطی مرآت السالکین (میربابا پسر میردرویش نقشبندیه) را که از جمله میراث تصوف قرن دوازدهم در هند است، دو چندان می‌کند. تا این تحقیق بتواند در دستیابی به راهی جدید در فرا روی محققان تحقیق در نقشبندیه قرار دهد. یکی از این آثار کتاب مرات السالکین میر بابا است. نام او میربابا بن میردرویش نقشبندی از عرفای قرن دوازدهم هجری قمری است آثار میربابا مرآت السالکین «تحفة المحققین» برگرفته که به خط نستعلیق است. این اثر به نثر مرسل بر پایه شیوایی و ساده نویسی و در تاریخ ۱۱۱۸ قمری در حوزه عرفان و تصوف به فارسی نگاشته شده است. (درایتی، ۱۳۹۰، ج ۲۸: ۹۲۹)، «البته در این حوزه اثری دیگری به نام مرات السالکین و مرقات العارفين از فردی ناشناس وجود دارد که شباهت این دو، این است که هر دو در موضوع عرفان و تصوف فارسی هستند و تفاوت آن‌ها در این است که کتاب میر بابا فصل بندی شده و نویسنده آن مشخص و تاریخ تألیف آن نیز مشخص (۱۱۱۸ قمری) است، ولی مرات السالکین و

مرقات العارفین از مؤلف ناشناس است بخش بندی نشده و در منابع دسترس، کتابی بدین نام به دست نیامده است». (همان: ۹۳۰)

۴ - معرفی نسخه خطی مرآت السالکین از میربابا پسر میردرویش نقشبندی

نسخه خطی مرآت السالکین اثر میربابا پسر میردرویش نقشبندی کتابی است در تصوف و شناخت مشایخ نقشبندی در دوره گورکانیان در هند که در سال (۱۱۱۸ ه.ق) به رشته تحریر در آورده می‌شود. مرآت السالکین کتابی است که در آن نویسنده آن را در تصوف خواجگان و به اشاره پیر خود و به پیروی از سنت، شریعت و طریقت و حقیقت برای تربیت سالکان طریقه نقشبندی در چهار باب و هر باب در چهار فصل بر آداب و سلوک سالکان و به شیوه عرفانی با آموزه‌های اخلاقی و حکمی است این اثر که یکی از نسخه‌های خطی قرن دوازدهم هجری قمری است تک نسخه خطی باز مانده آن روزگاران است که در بردارنده اصول تصوف نقشبندی و بزرگان این مکتب صوفیه است که می‌توان با تصحیح و مطالعه دقیق آن به برخی از اصول و باورهای فرقه نقشبندی پی برد. این نسخه به خط نستعلیق شکسته به تحریر درآمده و نسخه منحصر به فرد است. این کتاب در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران به شمارگان ۵۶۲۹ نگهداری می‌شود. شایان ذکر است که کتاب در ۴۳۰ صفحه ۲۵ سطری نگارش یافته و ابعاد صفحات ۱۲×۱۹ است. سال استنساخ آن نیز (۱۱۱۸ هجری قمری) ذکر شده است. لازم به یاد آوری است که میربابا این نسخه خطی را شعبه‌ای از شعبات تحفه المحققین خود می‌داند. (میربابا، بی تا: ۱۴-۱۰)

پادشاه زمان و آن برگزیده دوران، شاهنشاه عالم پناه، والی کشور هندوستان، نوشیروان عهد و زمان، واضع قوانین عدل و احسان، خسرو جهان‌آرای، عدو بند قلعه‌گشای، خورشید آسمان سلطنت و سروری، قطب ملک و دین پروری، باسطه ناسبه امن و امام علی اهل الایمان، پادشاه جسم و جان، خورشید اشیا چون آیین خرد صاف و روشن ضمیر (همان: ۸)

ابوالمظفر شهاب‌الدین محمد اورنگ زیب در بها عالم گیر خلد الله ملکه و سلطانه افاض
التعالی برهانه و احسانه.

کند حکم بر طبق شرع رسول خرد زان به شاهی بکردش قبول

سزد گر کنم فخر من این زمان چو پیغمبر از عهد نوشیروان
(همان: ۱۳)

«الهی همیشه آفتاب دولت این پادشاه عادل دیندار را بر مفارق جمله مسلمانان تابان و درخشان داراد! بمنّه و کمال و کرمه.

یافت ترتیب نسخه ام ز ضمیر عهد اورنگ زیب عالم گیر
شاه دیندار پیرو احمد در شریعت بود بشیر و نذیر

...

معروض جناب اهل معانی که گوهر برج و درج سخندانی اند می گرداند که این کم استطاعت بی بضاعت چون از علم و فضل بهره نداشت، رجوع به خوشه چینی و کسب کمال ظاهری و باطنی از سخنان لطایف بزرگان خانواده سلسله عالیّه نقشبندی نموده تألیف این نسخه نمود که هرگاه از گردش زمانه ناهنجار و دنیای ناپایدار سفر آخرت به پیش آید، از این درویش، میربابا ولد میردوریش سید...». (میربابا، بی تا: ۱۰) «در عرصه زمانه یادگاری ماند و سالکان را از مطالعه این نسخه شریف از حقایق وجود انسانیّه خویش ماهیتی حاصل گردد که «مَنْ عَرَفَ نَفْسَهُ فَقَدْ عَرَفَ رَبَّهُ». دیگر، معلوم و مشهود نماید که «عَرَفْتُ رَبِّي» که تا شاید لایق مطالعه اصحاب طریقت و روندهای راه حقیقت گردد. چون از مطالعه این نسخه شریف بر خواننده و نویسنده حظی و فرحتی شامل حال شود، بنده را حسبّه الله به فاتحه ای یاد فرمایند.

اگر ما را برآید از تو مقصود تو را نبود زیان، ما را بود سود
ز هر مکتوب جمع آورده ام من مثال خوشه چین گوید ز خرمن
ز هر گلزار گل را بیر اخبار نمودم جمع کردم گرم بازار

که هر موقع نامه این نسخه ان شاء الله اندراج خواهد یافت و چون این نسخه شعبه ای از شعبات تحفه المحققین تألیف این احقر است و این نسخه برای نیاز گذرانیدن و حسب الامر نمودن صاحب قبله دو جهان و مقتدای اهل زمان، محب الفقراء و العلماء و الفضلاء، نور باده گلبن معرفت و اقبال ثمره شجره بهارستان فیوض و اجلال، پیشوای سالکان خدا، جامع انوار دین و دنیا، سرحلقه صفاکیشان قدوح و مقتدای درویشان، نایب منایب، جناب مستطاب حضرت ایشان

میرسیف‌الدین محمد برگزیده الله حضرت میرنصرالله [اختیار] نمود. امیدوار است که هرگاه به نظر مبارک اشرف اقدس بگذرد و مقبول فرمایند و به فاتحه‌ای فایح این مرید با اعتقاد را استمداد نمایند». (همان: ۱۳)

به یک نظر سر شبنم به آفتاب رسید توجه از من بی پا و سر دریغ مدار
و نیز بزرگان فرموده‌اند:

کار نه این گنبد گردان کند هر چه کند همت مردان کند
چنانچه گذشته که این نسخه استخراج از تحفه المحققین که تألیف این بنده است بنابراین
این نسخه را مرآت السالکین نهاده شد بالله توفیق.

۵- آشنایی با میر بابا نویسنده کتاب

از آن وقت تا سال آن شاه دین رساند به حق سالکان را یقین
سنین پی ز بحر صفا خواسته به جمله علوم است آراسته
بود او نهالی از آن باغ جان به یک شعله داده به صد مرده جان
(همان: ۱۳)

میر بابا پسر میردرویش نقشبندی که بنابر نوشته‌های کتاب مرآت السالکین یکی از مشایخ متصوفیه نقشبندی در قرن دوازدهم هجری است نام او در هیچ یک از منابع رجالی ثبت نشده از اشاراتی که نویسنده به سوانح احوال خود و پدرش در ضمن کتاب آورده است می‌توان زندگی نامه‌ای برای او تنظیم کرد. (همان: ۱۹۱)

۶- نسب نامه معنوی و شجره طریقتی میربابا

میر بابا در نسخه‌ای با عنوان «در بیان ذکر سلسله عالیة نقشبندیة» در باره نسب معنوی خود اینگونه می‌گوید: بر طالبان پوشیده نماند که در حین حیات حضرت قطب الاقطاب جناب ولایات، سالک مسالک طریق هدایت عمده الواصلین، قدوة العارفین، سلطان الموحدین، برهان المحققین، برگزیده ساحت معرفت و یقین یعنی حضرت میرسیف‌الدین که شیخ الشیوخنا و از جمله کل

اولیاء و سردار اصفیای زمان خویش بودند در حین حیات خویش آن حضرت را برای جستن طالبان مرخص فرموده بودند که هر گاه طالب در خانقاه بیاید ما حاضر نباشیم شما او را توجه فرمایید. (همان: ۱۳)

گفت پیغمبر شفیع المذنبین	پیش‌وای اولیای آخرین
هر که دست من بگیرد این زمان	من به بگیرم در قیامت دست آن
چون بگیرم دست او را آن محل	بر من است واجب شفاعت بی‌خلل
هر که گیرد دست آن کس را که آن	برگرفته دست ما را بی‌گمان
تا به هفت دست رسیدن دست او	در قیامت من بگیرم دست او

(همان)

در میان نقشبندیّه علاوه بر تربیت جسمانی، تربیت روحانی متداول بوده به گونه‌ای که سالک به روحانیت شیخی از مشایخ سلف خود توجه می‌کند یا همان طریقه اویسیه که میر بابا نیز انتساب خویش را به این شیوه بیان می‌کند. قال النبی علیه السلام: «مَنْ صَافِحِنِي إِلَى صَافِحَتِهِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَ وَجِبَتْ عَلَيَّ شَفَاعَتُهُ وَ لِذَلِكَ مِنْ صَافِحِنِي بَمَنْ صَافِحِنِي إِلَى سَبْعَةِ مَرَاتِبٍ صَافِحَةُ يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَ وَجِبَتْ عَلَيَّ شَفَاعَتُهُ» صدق یا رسول الله یعنی کسی که مصافحه کند بر من مصافحه کنم من به او در روز قیامت و واجب شود بر من شفاعت او و اینچنین کسی که مصافحه کند به کسی که مصافحه کرده است مرا تا هفت مرتبه (همان: ۱۸۶) چنانچه در باب حدیث مذکور میرابوالقاسم قدس سرّه که از خلفای حضرت میرهاشم نور الله مرقده بودند می‌فرمایند چنانچه سابق هم چند بیت گذشته و دیگر ابیات در زبان حدیث این است: پس معلوم گردید که در مصافحه دست هر کس به هفت واسطه به آن سرور عالم علیه السلام برسد فردای قیامت به موجب امر رسول علیه السلام شفاعت آن حضرت بر او واجب گردد. (همان) چنانچه حضرت قدوة العارفين میرسیف‌الدین محمد به طریق مصافحه به پنج واسطه بر رسول علیه السلام متوصل می‌گردند و این احقر میربابا ولد میردرویش به شش واسطه به رسول کائنات متوصل است الحمد لله و المنّه که این فقیر به این شرف دارین به طفیل حضرت میرسیف‌الدین محمد مشرف گشته قدس الله تعالی سرّه.

و یوسفی نام عزیزی غفرالله تعالی که از برادران طریقت این حقیر بوده‌اند و مناسبت طریقت حضرت ایشان قدس الله سره به نظم بیان نموده به طریق تبرک در این نسخه مندرج ساخته:

بعد حمد خالق و نعت رسول انس و جان بشنو از ترتیب نسبت در طریقت خواجگان
مقتدای هر دو عالم میرسیف‌الدین بُود نسبت ایشان ما از میرهاشم خواجه دان
شاه دین محمود خواند آن که ما را ره نمود از ره صدق (و) صفا سوی بهشت جاودان
خواجه اسحاق است لطف الله ملا خواجهگی وآن‌گه آن ملا محمد خواجه احرار دان!
مولوی یعقوب چرخی دان و شاه نقشبند! وآن‌گه آن میر کلال و خواجه بین عیان!
بوعلی را ... محمد و عارف دان یقین! خواجه عبدالخالق آن‌گه خواجه یوسف کن نشان!
بوعلی از فارمدی، وآن‌گه ابوالقاسم شمارا بوالحسن با بایزید و جعفر صادق بدان!
جعفر صادق به دو وجه است منصوب العزیز! هم به آباء خودش هم باب و امش بی‌گمان
سوی آباء خودش از باقر (و) زین‌العباد تا حسین و مرتضی و مصطفی باشد، بدان
حضرت سلمان بُد از صدیق اکبر بهره‌ور بیعت صدیق از پیغمبر آخزمان
یوسفی در رشته نظم آورید این سلسله زآنکه هست از خادمان خاندان خواجگان

(همان: ۱۸۶)

و دیگر پوشیده نماند که حضرت قطب محققین سراج الحق و الشرح و الدین حضرت میرسیف‌الدین نور الله مرقد به طریقه مصافحه به پنج واسطه به سرور کائنات و آن خلاصه موجودات حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه و سلم متصل می‌شوند به این طریق که حضرت ایشان ما نسبت ارادت به جناب صدر بر مسند ارشاد حضرت میرزاهاشم قدس الله سره و ایشان را به شیخ الهداد قدس الله سره و روحه و ایشان را به ولد بزرگوار خویش شیخ ابوسعید حبشی قدس الله سره و ایشان را بی‌واسطه به حضرت اسرار کائنات و خلاصه موجودات صلی الله علیه و سلم مصافحه بوده است. پس به این صورت حضرت ایشان ما به پنج واسطه به جناب آن حضرت علیه السلام متصل می‌شوند. (همان) چنانچه منقول است که شیخ سعید حبشی قدس الله اسرار از امت حضرت عیسی صلوات الله علیه چنانچه روزی عیسی علیه السلام از شرف محمد مصطفی صلی الله علیه و سلم و امتان ایشان تقریر می‌نمودند و شیخ سعید را عشق احمدی در دل سرایت نمود و از جانب برخاست و به جناب عیسی صلوات الله علیه معروض داشت که یا پیغمبر خدا از

خدا مسألت نما که خدای تبارک و تعالی مرا به دیدار فیاض الانوار محمد صلی اله علیه وآله و سلم مشرف گرداند. چنانچه عیسی علیه السلام به جناب احدیت در باب طول عمر ایشان مسألت نمودند و التماس آن حضرت به معرض قبول پیوست در آن وقتی که حضرت عیسی علیه السلام در باب شیخ دعا فرمودند، شیخ در آن وقت چهل سالگی بودند. بعد از آن حضرت عیسی فرمود:

رباعی

بعد از آن گفتش سلام ما رسان
 با حییب حق سر پیغمبران
 شیخ عالم برد عمر (ی) انتظار
 تا مشرف شد جمال شهریار
 (همان: ۱۸۷)

۷ - آثار میر بابا:

۱ تحفة المحققین

۲ مرآت السالکین (همان: ۱۵)

بدان ای سالک طالب که صفت خلقت انسان را از عناصر اربعه سرشته‌اند و سال را نیز بر چهار فصل قرار داده‌اند؛ بنابراین کتاب مرآت السالکین را مشتمل بر چهار باب، هر باب را چهار فصل قرار داده شد و بالله توفیق.

باب اول در حقیقت و شرف انسان که خدای تبارک و تعالی حقیقت جمیع آفاق و انفس در ذات او مندرج ساخته و ماهیت جمیع اشیاء در او سرشته. فصل اول در معرفت کمال یافتن نطفه و حقیقت کمالیت مرد و زن و بیان نفس طبع و نباتی و حیوان و انسانی و قوت‌های ایشان و خادمان ایشان. فصل دویم در بیان واجب الوجود و ممکن الوجود و ممتنع و مبدع و معاد. فصل سیّم در بیان آنکه حکمت در آفرینش آدم چه بود و بیان احوال وجود حیوانی و انسانی و تحلیل غذا و آفرینش مختلفه. فصل چهارم در تطبیق آفاق بزرگ و آفاق کوچک یعنی برابر کردن تن مردم به عالم اجسام. باب دویم در بیان پیر کامل و حقیقت اولیاء و بیان طریق سلسله عالیّه نقشبندی و تعریف حقیقت احوال جناب حضرت میرسیف‌الدین محمد قدس الله سرّه در حقیقت و اذکار آن و تلقین بزرگان این طریقه (همان: ۷) فصل اول در بیان پیر کامل و حقیقت اولیاء که چندانند تمام.

فصل دویم در بیان طریقه عالیّه نقشبندیّه قدّس الله سرّه. فصل سیم در بیان تعاریف میرسیف‌الدین محمد قدّس الله سرّه، مناسب طریق عالیّه ایشان، شمایل مبارک آن حضرت و تاریخ وفات ایشان. فصل چهارم در بیان حقیقت دل و اذکار آن در تلقین بزرگان این طریق. باب سیم در ذکر سرور روح و ذکر خفی و حقیقت احوال واصل و عارف مستمل بر چهار فصل است: فصل اوّل در ذکر و اطوار آن فصل دویم در بیان روح و اطوار آن فصل سیم در ذکر خفی واردات آن فصل چهارم در احوال واقوال واصل و حقیقت عارف باب چهارم در بیان حقیقت انسانی که در اهل عالم‌اند و در سماع و عقاید آن در نماز نوافل و اوراد آن در اکثر کلمات وردیه قدسیّه طریقه نقشبندیّه قدّس الله سرّه مشتمل بر چهار فصل است: فصل اوّل در حقیقت انسانی که در اهل اسلام‌اند فصل دویم در سماع و عقاید آن فصل سیم در نماز نوافل و ثواب در اوراد آورده‌اند فصل چهارم در اکثر کلمات وردیه قدسیّه بزرگان این طریق عالیّه در بیان آن که آدمی کل است و سایر اشیاء به مثابه اجزاء. (همان: ۱۸)

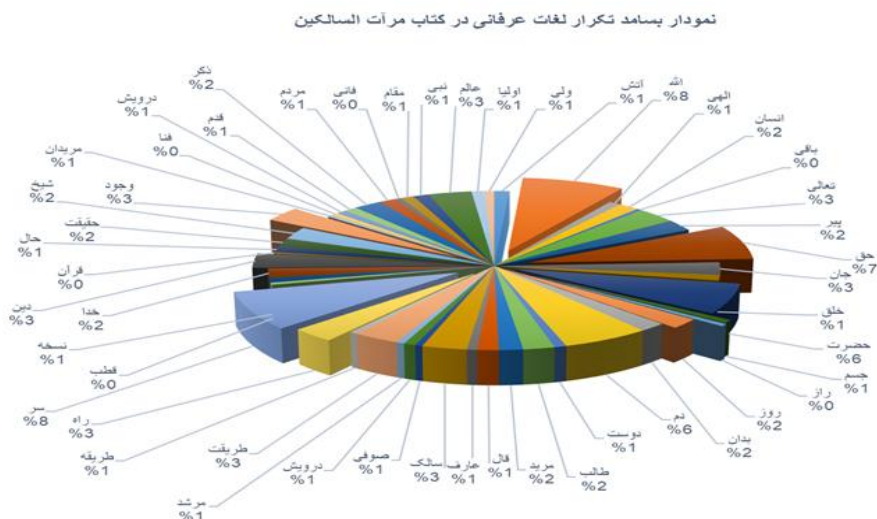
۸- بررسی و تحلیل واژگانی کتاب مرآت السالکین

کتاب مرآت السالکین از جمله کتب تصوّف و عرفانی که با توجه به محتوای فکری غالب ذهن نویسنده آن، کلمات و عبارات به کار رفته در آن نیز دارای بار معنایی و تصوّفی است و در حقیقت کلمات و عبارات در آن علاوه بر معنایی حقیقی کلمه در بسیاری از موارد این کلمه‌ها در عبارات که به کار گرفته می‌شوند با کلمات قبل و یا بعد خود یک ارتباط معناداری می‌سازند، که دارای بار معنایی مثبت و یا منفی هستند که گوینده و یا نویسنده آن با علم به این بار معنایی در پی اثبات نظر خود و یا اقناع مخاطب خود می‌باشد، بنابر این به پیوست تعدادی از این زنجیره کلامی به کار رفته در کتاب مرآت السالکین تقدیم حضور می‌گردد.

دل انسانی و روح جسمانی، کان معرفت رحمانی، بارگاه خداوندی، خلعت معرفت، حقیر پرتقصیر، ریزه چینان خوان معرفت، لطف عمیم، فقیران محتاج پر واج، عوام مستغنی، ریاضت شاقه، انعام خاص و عام، جود و کرم خویش، عبدالضعیف، آن سیّد پسندیده و نور دودیده، حلاوت ایمان، ملک ملکوت، ملاک مسجود، مشهد مظهر جان، شمس شریعت، خادم امتان تو، بنده بندگان،

صدر و بدر عالم، گوهر درج معانی، ظل عنایات سبحانی، گوهر درج شریعت، آفتاب برج حقیقت، مفارق جمله مسلمانان، فیض ابر، کمال ظاهری و باطنی، سلسله عالیّه نقشبندیّه، محب الفقرا والعلما والفضلا، نور باده گلبن معرفت، ثمره شجره بهارستان، فیوض اجلال، پیشوای سالکان خدا، جامع انوار دین و دنیا، سرحلقه صفا کیشان قدوح، درویشان نایب منایب، بیان روح و اطوار آن، نماز نوافل و ثواب، کلمات وردیه قدسیّه، حقیقت انسانی، خادمان نفسانی، خادمان نباتی، عناصر اربعه، عمل صالح، شقاوت ناپیایی، افلاک ملائکه، حقیقت عالم ظاهر، افلاک محیط، صفات روح، شراب لایزالی، غرور نفسانی، حقیقت خوشبختی، برگ سبز تحفه درویش، فقیر حقیر تراب الاقدام، ارادت و عقیدت بندگی، شرف مجالس آن حضرت، خواجهگان عالی شأن، فیض ربانی، مرید ولایت، طلای احمر، طرح عمارت، مقام فنا و وحدت، طریقه مصافحه، دیدار فیض الانوار، سعی بلیغ، تدبیر معاش، لذات قالب و بقای، مرتبه انسانیت، معیت لطف و قهر، حق سبحان الله تعالی، عالم ملکوت، کسوت جبروتی، عالم ناسوت، حقیقت وجود، فانی مطلق، دفتر عشق، کشف مقصود، سالک فانی، فنا بالفناء، جمیع مخلوقات، ذکر روح، کشف القلب، تسبیح موجودات، کامل مکمل، و... در یک بررسی کاربرد واژگانی میزان تکرار و کاربرد کلمات در کتاب مرات السالکین را در ۵۰ کلمه منتخب پر تکرار به صورت آماری مورد بررسی قرار می‌گیرد.

آتش (۸۱ بار)، الله (۵۵۴ بار)، الهی (۶۴ بار)، انسان (۱۱۳ بار)، باقی (۲۷ بار)، تعالی (۲۱۷ بار)، پیر (۱۳۲ بار)، حق (۴۹۳ بار)، جان (۱۸۰ بار)، خلق (۴۸۳ بار)، حضرت (۴۳۶ بار)، جسم (۴۹ بار)، راز (۳۵ بار)، روز (۱۴۴ بار)، بدن (۱۲۹ بار)، دم (۴۱۸ بار)، دوست (۵۸ بار)، طالب (۱۵۰ بار)، مرید (۱۱۵ بار)، قال (۱۰۲ بار)، عارف (۹۴ بار)، سالک (۲۱۴ بار)، صوفی (۳۶ بار)، درویش (۵۶ بار)، مرشد (۳۸ بار)، طریقت (۲۲۲ بار)، طریقه (۳۷ بار)، راه (۲۰۸ بار)، سر (۵۵۷ بار)، قطب (۳۱ بار)، نسخه (۷۱ بار)، خدا (۱۳۲ بار)، دین (۲۱۰ بار)، قرآن (۲۴ بار)، حال (۸۶ بار)، حقیقت (۱۱۸ بار)، شیخ (۱۷۴ بار)، وجود (۲۱۰ بار)، مریدان (۳۶ بار)، فنا (۳۱ بار)، درویش (۵۶ بار)، قدم (۷۰ بار)، ذکر (۱۵۳ بار)، مردم (۹۰ بار)، مقام (۶۹ بار)، نبی (۸۵ بار)، عالم (۲۳۰ بار)، اولیا (۶۸ بار)، فانی (۳۵ بار)، ولی (۵۲ بار).

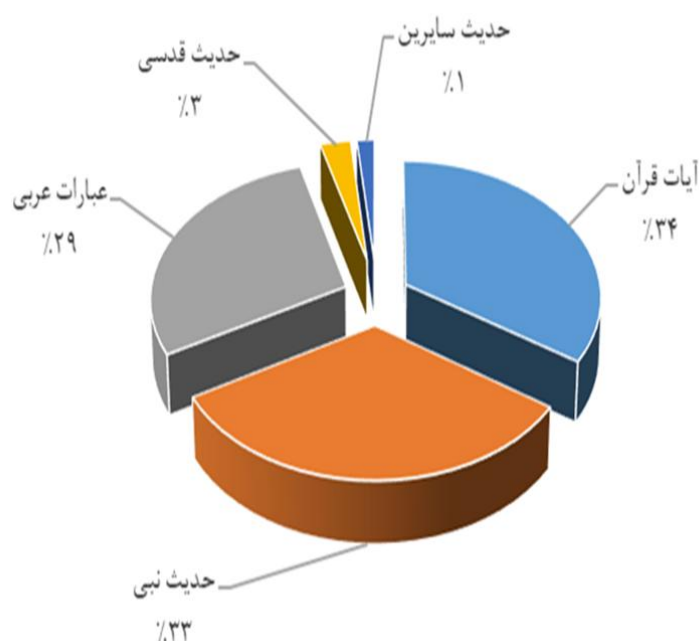


با توجه به بسامد آماری این کلمات به راحتی می‌توان دریافت که درون مایه فکری نویسنده این عبارات و کلمات تعلیم آموزه‌های عرفانی و اخلاقی است و با توجه به تکرار کلمات در می‌یابیم که نویسنده در صدد تأکید و اثبات گفته و نظرات خود از ابزار تکرار بهره برده است.

۹- بررسی محتوایی کتاب مرآت السالکین

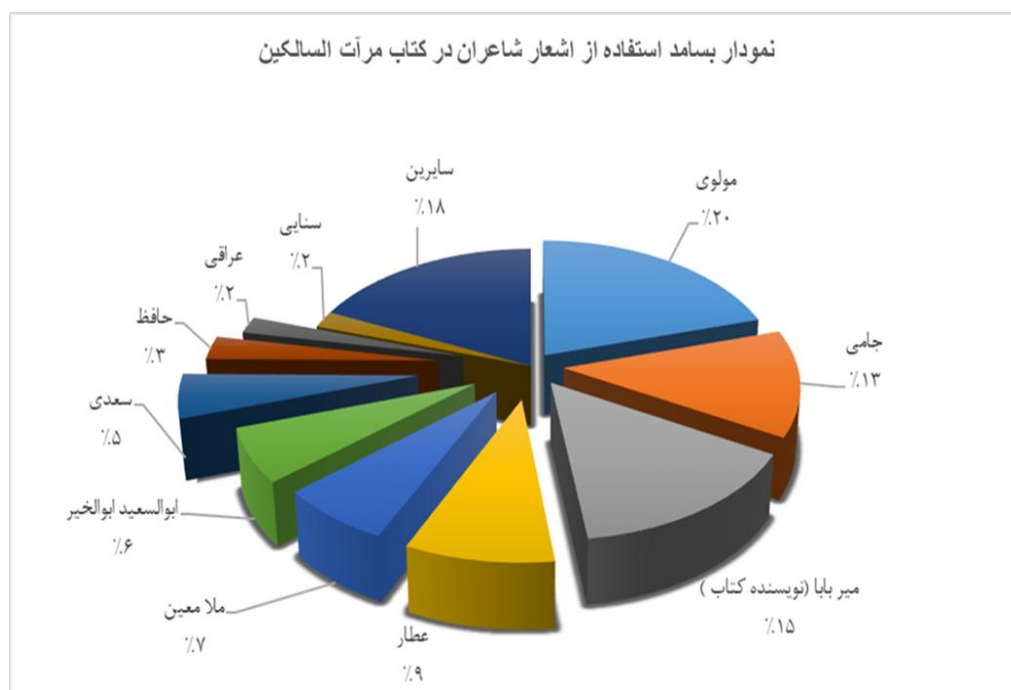
با بررسی و تحلیل محتوایی کتاب مرآت السالکین در می‌یابیم این کتاب، کتابی است عرفانی و متصوفه که نویسنده این کتاب در بیان مطالب مورد نظر خود به کرات از آیات و روایات اسلامی بهره برده و در جهت اثبات نظر خود به این آیات و احادیث و روایات استناد کرده به طوری که می‌توان در صفحه به صفحه کتاب مرآت السالکین بهره‌گیری از آرایه تلمیح به آیات قرآنی و احادیث نبوی و روایات اسلامی اشاره کرد به طوری که در این کتاب بیش از ۲۵۰ بار از این آیات و روایات ذکر گردیده است که در ادامه نمودار بسامد آماری آن تقدیم می‌گردد.

نمودار بسامد استفاده از آیات و احادیث در کتاب مرآت السالکین



در یک تحلیل و بررسی ساختاری کتاب مرآت السالکین به راحتی می‌توان به آگاهی و گستردگی اطلاعات ادبی عرفانی و قرآنی نویسنده آن پی برد در بحث آگاهی علوم قرآنی نمودار تحلیلی آن در صفحه قبل نمایانگر تبحر و تخصص میربابا دیدیم که او در نوشتن کتاب خویش از حداقل ۲۰۰ آیه قرآنی و احادیث بهره برده که همین موضوع توانایی و تبحر این عارف و نویسنده را اثبات می‌کند. در حوزه عرفان و تصوف میربابا نیز از ۳۵ کتاب عرفانی و متصوفه در بیان نظرات عرفانی و اخلاقی و دین کمک گرفته است این امر نیز بیانگر توانایی علمی نامبرده در عرصه عرفان و تصوف و فلسفه و اخلاق است در حوزه ادبیات فارسی او بیش از دو‌یست مورد از ابیات و اشعار حداقل ۳۵ شاعر فارسی گوی را در کتاب مرآت السالکین خود آورده است در این میان اشعار عرفانی مولانا جلال‌الدین محمد مولوی را بیش از ۵۰ بار به کار برده است و بعد با

۳۲ بار از شعر و زبان جامی بهره جسته است که در این خصوص نمودار آماری این موضوع تقدیم می‌گردد.

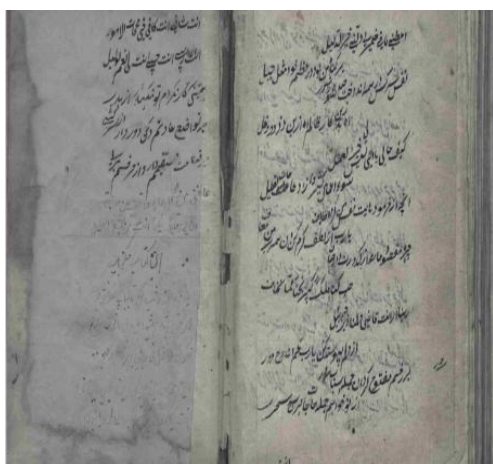


با دقت و تأمل در کتاب ارزشمند مرآت السالکین و تحلیل و بررسی ساختاری آن به راحتی می‌توان تبخّر و تخصص نویسنده این کتاب را در عرصه ادبیات فارسی دریافت و از همه مهم‌تر به نظر نگارنده این سطور اصل امانتداری و تقوای نگارشی میربابا در بیان منابع و یا صاحب اثر در کتاب خویش به غنای ادبی و علمی آن ارزش خاص پژوهشی داده است. نویسنده این کتاب به منظور تلمیح و تضمین و استشهاد و استناد بیان خود از آن‌ها بهره برده به طوری که آرایه تلمیح در صفحه صفحه کتابش نمایان است، و میر بابا الحق توانسته از انجام این امر مهم استادانه برآید و این ویژگی از وجه تمایز و شاخص ارزش علمی و تحقیقی این کتاب و نویسنده آن به شمار می‌آید.

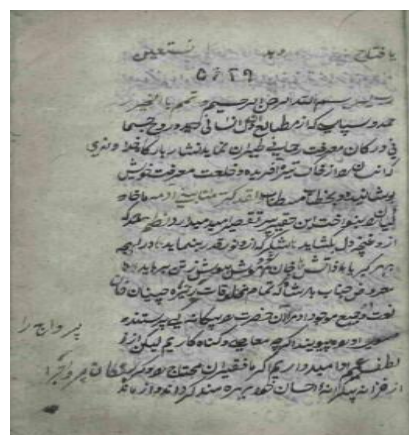
نتیجه گیری

شناخت نسخه‌های خطی که از جمله میراث به یاد مانده گذشتگان است در حقیقت هم چون آیینۀ تمام‌نمایی است که ما را با دنیای فکر و اندیشه، باور و اعتقاد، آداب و رسوم و چگونگی برخورد با پدیده‌های اجتماعی زمان خالق اثر، آشنا می‌کند. از جمله این نسخ کتاب مرآت السالکین میربابا پسر میردرویش نقشبندی است که در سال (۱۱۱۸) قمری در کشور هند و عهد پادشاه محمد زب اورنگ عالم‌گیر به رشته تحریر در آمده؛ این کتاب در بردارنده آداب و سلوک عرفانی پیروان طریقت نقشبندیه است که نویسنده، کتاب خود را با ستایش خدا و رسول و اصحاب او و پیروان طریقت نقشبندیه همراه با اشعاری از خود و پیرش میرسیف‌الدین و ملا معین و شاعرانی چون، جامی، مولوی، نظامی، سعدی، ابوسعید ابوالخیر و ... آورده است. اشعار میربابا به طور فراوان در این نسخه در موضوعات متفاوت آورده شده است، با توجه به این که این نسخه منحصر به فرد بوده معرفی و شناخت آن و ویژگی‌های ادبی آن می‌تواند در شناخت بیشتر نویسنده و آداب و سلوک نقشبندیه در قرن دوازدهم مؤثر باشد. مطالعه و آشنایی با این کتاب می‌تواند برای پژوهندگان ادبیات فارسی، به ویژه آشنایی با تصوف و عرفان سلسله نقشبندیه در قرن دوازدهم و پراکندگی این طریقت اعتقادی در سایر مناطق بیرون از مرز ایران و شناخت نسب معنوی میربابا پسر میردرویش نقشبندیه مفید فایده قرار گیرد.

صفحه پایانی نسخه



صفحه نخست نسخه



فهرست منابع و مأخذ

الف: کتاب‌ها

- ۱ چارسا محمد، (۱۳۵۴)، رساله قدسیه (کلمات بهاءالدین نقشبند)، تصحیح احمد طاهری عراقی، تهران: طهوری.
- ۲ جامی، نورالدین عبدالرحمان ابن احمد، (۱۳۷۸)، هفت اورنگ، ج اول، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ اول.
- ۳ - _____، (۱۳۷۸)، هفت اورنگ، ج دوم، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ اول.
- ۴ خاتمی، احمد، (۱۳۷۳)، تاریخ ادبیات ایران در دوره بازگشت ادبی، تهران: مؤسسه فرهنگی و انتشاراتی پایا.
- ۵ دانش پژوه، محمدتقی، (۱۳۵۶)، فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران.
- ۶ - درایتی، مصطفی، (۱۳۹۰)، فهرستگان نسخ خطی ایران، تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی.
- ۷ - دهخدا، علی‌اکبر، (۱۳۷۱)، لغت نامه فارسی، تهران: نشر دانشگاه، چاپ اول.
- ۸ رضوی برق، سید محمد طلحه، (۱۳۹۳)، سجاده نشینان بهار، نویدا، الفاخرت، چاپ اول.
- ۹ زرین کوب، عبدالحسین، (۱۳۶۹)، دنباله جستجوی در تصوف ایران، تهران: امیرکبیر، چاپ سوم.
- ۱۰ - _____، (۱۳۶۹)، ارزش میراث صوفیه، تهران: امیرکبیر، چاپ ششم.
- ۱۱ - _____، (۱۳۶۲)، دنباله جستجو در تصوف ایران، تهران: امیرکبیر.
- ۱۲ - _____، (۱۳۸۳)، تصوف ایرانی در منظر تاریخی آن، مجدالدین کیوانی، تهران: سخن.
- ۱۳ سجادی، سید ضیاءالدین، (۱۳۷۲)، مقدمه‌ای بر مبانی عرفان و تصوف، تهران: سمت.
- ۱۴ سنائی، ابوالمجد مجدود بن آدم، (۱۳۹۱)، دیوان سنائی، به کوشش محمدحسین فروزانفر و پرویز بابائی، تهران: نگاه، چاپ چهارم.

- ۱۵ - صفا، دکتر ذبیح الله، (۱۳۷۲)، *تاریخ ادبیات در ایران*، ج پنجم، بخش اول و بخش دوم، تهران: فردوس، چاپ هشتم.
- ۱۶ - فغفوری، محمد، (بهار ۱۳۸۳)، *مبانی عرفان و تصوّف*، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی، نشریۀ فروغ اندیشه.
- ۱۶- کاشفی، علی بن حسین، (۱۳۵۶)، *رشحات عین الحیات*، به تصحیح علی اصغر معینان، ج اول و دوم، تهران: بنیاد نیکوکار نوربانی.
- ۱۷- میربابا، پسر میردرویش نقشبندی، (بی تا)، *مرآت السالکین*، نسخه خطی به شماره ۲۹۶۲۸، تهران: کتابخانه دانشگاه.
- ۱۸- میرباقری فرد، علی اصغر، (۱۳۸۴)، *تاریخ تصوّف*، جلد اول، قم: یاران، چاپ اول.
- ۱۹- _____، (۱۳۹۴)، *تاریخ تصوّف*، جلد دوم، قم: گل ها.
- ۲۰- یلمه ها، احمدرضا، (۱۳۹۲)، *قصر بی قراری*، تهران: نگار، چاپ اول.
- ۲۱- _____، (۱۳۹۱)، *زلزال اندیشه*، دهقان: دانشگاه آزاد اسلامی، چاپ اول.
- ۲۲- _____، (۱۳۹۱)، *مثنوی شاهد عرشی*، تهران: شورای گسترش زبان و ادب فارسی، چاپ اول.

ب: مقالات

- ۲۳ - احمدی، احمد، لطفعلی برقی، (بهار ۱۳۹۷)، *فصلنامه نسخه شناسی متون نظم و نثر فارسی*، سال سوم، شماره هفتم، صص: ۷۲-۴۵.
- ۲۴- عطائی، علی اکبر، مدرس زاده عبدالرضا، دادبه اصغر، (بهار ۱۳۹۸)، *نسخه شناسی اشعار و شرح احوال صادق هجری تفرشی*، فصلنامه نسخه شناسی متون نظم و نثر فارسی، سال چهارم، شماره یازدهم
- ۲۵- علامی، بهمن، حکیم آذر، محمد، رضاپوریان، اصغر، (زمستان ۱۳۹۶)، *نقد منابع هندی در معرفی نسخه خطی مثنوی سراپای مهری*، فصلنامه نسخه شناسی متون نظم و نثر فارسی، سال دوم، شماره ششم، صص: ۱۸۰-۱۶۱.

- ۲۶- کوپا، فاطمه، گرجی، مصطفی، میرباقری فرد، سید علی اصغر، (زمستان ۱۳۹۲)، معرفتی و بررسی تحلیل نسخه خطی کاشف المشکلات ابوبکر بن کالنجار شیرازی، متن شناسی ادب فارسی، دانشکده ادبیات علوم انسانی دانشگاه اصفهان، سال چهل و نهم، دوره جدید، سال پنجم، شماره ۴، صص: ۱-۲۲.
- ۲۷- مرتضایی، سیدجواد، حیدریان، اکبر، (بهار ۱۳۹۷)، تصحیح عباراتی از کتاب عجایب و غرایب پیشاوری، فصلنامه نسخه شناسی متون نظم و نثر فارسی، سال سوم، شماره هفتم، صص: ۲۷-۴۴.
- ۲۸- مسجدی، دکتر حسین، رضایی، سیده مرضیه، (بهار ۱۳۹۷)، معرفتی رساله دواء المساکین، فصلنامه نسخه شناسی متون نظم و نثر، سال سوم، شماره هفتم، صص: ۷۳-۹۲.
- ۲۹- یلمه‌ها، احمدرضا، (بهار ۱۳۹۰)، بررسی و تحلیل نوعی از تصرفات کاتبان در نسخه‌های خطی، پژوهشنامه زبان و ادبیات فارسی، سال سوم، شماره نهم، صص: ۱۳۹-۱۶۲.
- ۳۰- ولی محمدآبادی، مهدیه، (بهار ۱۳۹۷)، معرفتی و بررسی رساله عین المعانی فی شرح اسماء الربانی، فصلنامه نسخه شناسی متون نظم و نثر فارسی، سال سوم شماره هفتم، صص: ۱-۲۶.